

گزارش سالانه-۱۴۰۳

وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در افغانستان



فهرست مطالب

صفحه

۲	درباره این گزارش.....
۳	پیش‌گفتار.....
۴	خلاصه گزارش.....
۶	روش تحقیق.....
۷	چارچوب حقوقی حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در افغانستان.....
۸	دو دستگی اداره حاکم و ابهام در اجرای قانون رسانه‌ها.....
۱۱	کمیسیون‌های رسانه‌ای.....
۱۱	کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای.....
۱۳	کمیسیون دسترسی به اطلاعات.....
۱۴	مشکلات اقتصادی رسانه‌ها.....
۱۶	سیاست رسانه‌ای اداره حاکم.....
۱۷	دستورالعمل‌های ابلاغ شده رسانه‌ای.....
۲۰	فشار بر رسانه‌های داخلی و ممنوع بودن همکاری با رسانه‌های «تبعیدی».....
۲۱	وضعیت زنان شاغل در رسانه‌ها.....
۲۴	آمار نقض حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران.....
۲۴	رسانه‌هایی که به طور موقت بسته شدند.....
۲۵	رسانه‌هایی که بسته شدند و زمان بازگشایی آنها مشخص نیست.....
۲۷	بررسی و تحلیل یافته‌های گزارش.....
۲۸	پیشنهادها.....

درباره این گزارش

این گزارش توسط بخش دادخواهی مرکز خبرنگاران افغانستان تهیه شده است و هدف از آن بازتاب مستقل و حرفه‌ای وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در کشور است. در این گزارش، وضعیت آزادی رسانه‌ها در ۳۴ ولایت افغانستان در جریان سال ۱۴۰۳ به بررسی گرفته شده است که شامل خلاصه گزارش، آمار رویدادهای نقض آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران از جمله خشونت، تهدید و بازداشت خبرنگاران و جلوگیری از فعالیت رسانه‌ها در ولایات کشور می‌شود.

[مرکز خبرنگاران افغانستان](#) به عنوان یک نهاد غیر دولتی و مستقل، تهیه و نشر گزارش‌های سالانه و ویژه را از سال ۱۳۹۲ هجری خورشیدی آغاز کرد و این روند از آن زمان تا اکنون بدون وقفه ادامه داشته است.



رسانه‌های افغانستان قبل از بازگشت دوباره طالبان به قدرت
عکس از یک ویدیوی طلوع‌نیوز، کابل- ۲۹ جوزا ۱۳۹۹

پیش‌گفتار

افغانستان قبل از بازگشت دوباره طالبان به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰، از یک جامعه رسانه‌ای پویا و متکثر برخوردار بود که با وجود جنگ و ناامنی گسترده پدید آمده بود. در [قانون اساسی افغانستان](#) مصوب سال ۱۳۸۲ گفته شده است که آزادی بیان از تعرض مصون است. همچنان، در قانون رسانه‌های همگانی کشور که در سال ۱۳۸۷ تصویب شد تصریح شده است که دولت آزادی رسانه‌های همگانی را حمایت و تقویت می‌کند و هیچ شخص حقیقی یا حکمی از جمله دولت و ادارات دولتی نمی‌تواند خارج از چارچوب مشخص شده در این قانون فعالیت آزاد رسانه‌های خیری و یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگری در امور و نشرات رسانه‌های همگانی و معلوماتی مداخله کند. با وجود تضمین آزادی‌ها رسانه‌ها در قوانین کشور در دوره بیست ساله قبل از بازگشت دوباره طالبان به قدرت، خبرنگاران به دلیل اوضاع ناشی از جنگ و ناامنی با میزان بلند تهدید، خشونت و حمله‌های هدفمند نیز مواجه بودند. یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که در جریان این دو دهه افزون بر صدها مورد خشونت علیه خبرنگاران، بیش از ۱۲۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌ای بر اثر حمله‌های هدفمند به ویژه رویدادهای منتسب به داعش و طالبان و یا در جریان جنگ و درگیری و جرایم مختلف، جان خود را از دست دادند.

اما با فروپاشی حکومت جمهوری، چتر حمایت قانونی از رسانه‌های آزاد فروریخت و بیش از نیمی از رسانه‌ها از فعالیت بازماندند و صدها خبرنگار و کارمند رسانه کشور را ترک کردند. طبق [برآورد](#) وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم تا قبل از سقوط نظام جمهوری، ۴۰۵ رسانه از جمله رادیو و تلویزیون و نشریه چاپی و آنلاین در این وزارت ثبت شده بود که بر مبنای یک بررسی که نتیجه آن ۲۹ ثور ۱۴۰۱ اعلام شد، از این تعداد ۱۸۲ رسانه فعال باقی مانده بود. [آخرین آمار رسمی](#) از سوی اداره حاکم در مورد رسانه‌های فعال در کشور ۶ حمل ۱۴۰۳ اعلام شد. خبیب غفران، سخنگوی وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم به «تلویزیون ملی» گفت که در حال حاضر ۲۸۳ رسانه در کشور فعالیت دارد و طی یک سال گذشته ۲۵ رسانه تصویری، شنیداری و چاپی جدید نیز آغاز به فعالیت کرده است.

سازمان [گزارشگران بدون مرز](#) (RSF)، ۳۱ حمل ۱۴۰۰، حدود چهار ماه قبل از سقوط نظام جمهوری اعلام کرد که افغانستان در رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها در میان ۱۸۰ کشور جهان در رده ۱۲۲ قرار گرفته است. این سازمان در

گزارش اخیرش که ۲۲ قوس ۱۴۰۳ نشر شد، افغانستان را در میان بدترین کشورهای جهان برای خبرنگاران قرار داده است. این گزارش نشان می‌دهد که افغانستان در جریان سه سال زمامداری طالبان از نظر آزادی رسانه‌ها ۵۶ پله سقوط کرده است.



راديو ملي افغانستان که بعد از بازگشت دوباره طالبان به قدرت، نامش به «شریعت» تغییر کرد. عکس از یک ویدئوی راديو شریعت

RTA/AFJC

کابل- ۲۶ اسد ۱۴۰۲

خلاصه گزارش

در این گزارش که روز ۲۶ حوت ۱۴۰۳ نشر شد، آمده است که در سال ۱۴۰۳ روند سرکوب آزادی رسانه‌ها در افغانستان در سایه سیاست رسانه‌ای مبهم حکومت طالبان با شدت و گستردگی بیشتری ادامه یافت. بنابر این گزارش، در سالی که گذشت دو دستگی در اداره حاکم در رابطه با شیوه برخورد با رسانه‌ها بیشتر از سال ۱۴۰۲ مشهود بود. سخنگویان اداره حاکم و همچنان مقام‌های وزارت اطلاعات و فرهنگ به عنوان نهاد اصلی اداره حاکم در امور رسانه‌ها، همچنان بر حمایت از رسانه‌ها و اجرایی بودن قانون رسانه‌های همگانی مصوب دوران حکومت جمهوری که -آزادی رسانه‌ها- را در چارچوب خاصی به رسمیت می‌شناسد و از رسانه‌های آزاد و خبرنگاران حمایت می‌کند، تاکید کردند. به گفته این مقام‌ها طرح تعدیل قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات که مدت‌ها پیش به رهبری طالبان فرستاده شده بود در مراحل نهایی قرار دارد و قرار است به زودی با «اندکی تغییر» در توشیح شود.

با وجود این، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که وضعیت اجرای قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات همچنان مبهم است و وزارت اطلاعات و فرهنگ به عنوان نهاد اصلی اداره حاکم در امور مرتبط با رسانه‌ها و خبرنگاران به حاشیه رفته است.

برپایه این گزارش، هسته سخت قدرت در رهبری طالبان با نگرش به شدت محافظه‌کار سنتی و مذهبی در سال ۱۴۰۳ به روند صدور دستورالعمل‌های رسانه‌ای و اعمال محدودیت برای رسانه‌ها و خبرنگاران با شدت بیشتری ادامه داد. این دسته از دو بازوی اجرایی قدرتمند یعنی ریاست عمومی استخبارات و وزارت امر به معروف و نهی از منکر برای پیشبرد برنامه‌هایش استفاده می‌کند. در ادامه گزارش آمده است که در سال ۱۴۰۳ با اجرایی شدن قانون جدید امر به

معروف و نهی از منکر، به محتسبان یا پولیس مذهبی اختیارات وسیعی داده شده است و آن‌ها با اتکای به این قانون باید‌ها و نباید‌ها را برای مردم از جمله کارکنان رسانه‌ها تعیین می‌کنند. محتسبان ضمن نظارت بر کارکرد رسانه‌ها، هرگاه بخواهند مستقیم و یا با همراهی اداره استخبارات علیه رسانه‌ها و خبرنگاران اقدام می‌کنند در حالی که وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم می‌گوید که کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای را که در حکومت جمهوری ایجاد شده بود، احیاء کرده است تا از «اقدامات خودسرانه» علیه رسانه‌ها و خبرنگاران جلوگیری کند.

در بخش دیگری از گزارش سالانه مرکز خبرنگاران افغانستان تصریح شده است که ادامه ابلاغ دستورالعمل‌های رسانه‌ای به ویژه قانون جدید امر به معروف و نهی از منکر که موضوع ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان و برخی از محدودیت دیگر را مطرح کرده است، روند سرکوب آزادی رسانه‌ها را وارد مرحله تازه و پیچیده‌ای کرده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که مقام‌های اداره حاکم در سال ۱۴۰۳ دست‌کم پنج دستورالعمل تازه به رسانه‌ها ابلاغ کردند در حالی که شمار دستورالعمل‌های رسانه‌ای در سال ۱۴۰۲، چهار مورد بود. ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان که در ماده هفدهم قانون جنجالی امر به معروف و نهی از منکر آمده است، ممنوعیت پخش زنده برنامه‌ها و یا میزگردهای سیاسی و اقتصادی، ممنوعیت تهیه و نشر برنامه‌های چالشی و یا انتقادی پیرامون قوانین و پالیسی‌های اداره حاکم، ممنوع بودن دعوت از مهمان‌های برنامه‌های رسانه‌ها که از سوی مقام‌های طالبان تأیید نشده‌اند، و الزام رسانه‌ها به استفاده از کلمه‌های «شهادت» و «شهادت» در بازتاب رویدادهای مرتبط با کشته شدن مقام‌های اداره حاکم، دستورالعمل‌های رسانه‌ای است که در سال ۱۴۰۳ به رسانه‌ها ابلاغ و اجرا شد.

در سال ۱۴۰۳، محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از اعمال قانون امر به معروف و نهی از منکر بر رسانه‌ها گسترش پیدا کرد. ممنوعیت نشر عکس و مصاحبه تصویری که ابتدا در ۲۹ دلو ۱۴۰۲ در ولایت قندهار - مرکز قدرت مذهبی و سیاسی اداره حاکم - به طور رسمی ابلاغ شد، سپس همین دیدگاه در قانون امر به معروف و نهی از منکر بازتاب پیدا کرد. در سال ۱۴۰۳، ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان و مصاحبه تصویری حداقل در شش ولایت دیگر از جمله تخار، بادغیس، هلمند و ننگرهار، نورستان و فراه به طور رسمی ابلاغ و اجرا شد؛ هر چند یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که این ممنوعیت در ماه‌های اخیر منتهی به پایان سال در برخی از این ولایات تا حدودی برداشته شده است.

پیش از این، از زمان بازگشت دوباره طالبان به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ تا پایان سال ۱۴۰۲، مقام‌های اداره حاکم دست‌کم ۱۷ دستورالعمل به رسانه‌ها ابلاغ و اعمال کردند که طیف وسیعی از امور مرتبط با رسانه‌ها را در بر می‌گیرد و محدودیت‌های زیادی را بر خلاف قانون رسانه‌های همگانی کشور به رسانه‌ها و خبرنگاران تحمیل کرده است.

در محدودیت‌های تحمیل شده بر رسانه‌ها و خبرنگاران بجز دستورالعمل ممنوع بودن نشر تصاویر زنده‌جان که در قانون تازه امر به معروف و نهی از منکر آمده است، در مورد پیامدهای خودداری خبرنگاران و رسانه‌ها از اجرای آن‌ها به طور واضح چیزی گفته نشده است. با این حال یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که خبرنگارانی که این دستورالعمل‌ها را نادیده گرفتند، تهدید و یا زندانی شده‌اند و یا رسانه‌هایی که نسبت به آن‌ها بی‌پروایی کردند با اقدام‌های تنبیهی از جمله منع فعالیت موقت یا دائمی مواجه شده‌اند.

در گزارش سالانه مرکز خبرنگاران افغانستان آمده است که ردیاب آزادی رسانه‌ها در این نهاد در سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۱۷۲ رویداد نقض حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران را ثبت کرده است که شامل ۱۲۲ مورد تهدید و ۵۰ مورد بازداشت خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای می‌باشد. از مجموع رویدادهای تهدید ثبت شده در سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۲۲ رویداد ممنوع شدن فعالیت و یا بسته شدن رسانه‌ها بوده است که از آن جمله ۱۵ رسانه تا زمان نشر این گزارش اجازه بازگشایی پیدا نکرده است و یا دوباره فعال نشده است. از جمله خبرنگاران بازداشت شده ۱۰ تن همچنان در زندان بسر می‌برند و از این تعداد، چهار تن به حبس دو تا سه سال محکوم شده‌اند.

موارد ثبت شده نقض حقوق خبرنگاران و رسانه‌ها در سال ۱۴۰۳ به لحاظ کمی نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۲۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد. با وجود این، یک تحول مثبت و دلگرم کننده در سال ۱۴۰۳ این بود که هیچ رویداد حمله هدفمند به رسانه‌ها و یا آسیب دیدن کارمندان رسانه‌ها گزارش نشد. مرکز خبرنگاران افغانستان در سال ۱۴۰۲ دست کم ۱۳۹ رویداد نقض حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران را ثبت کرده بود که شامل ۸۰ مورد تهدید و ۵۹ بازداشت خبرنگاران می‌باشد.

روش تحقیق

این گزارش وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در افغانستان را از حمل تا حوت ۱۴۰۳ به بررسی می‌گیرد. گزارش سال ۱۴۰۳ بر بنیاد داده‌های ردیاب یا شمارشگر رویدادهای آزادی رسانه‌ها که زیر پوشش بخش دادخواهی مرکز خبرنگاران افغانستان فعالیت دارد، تهیه شده است.

ردیاب آزادی رسانه‌ها، نخستین مرکز ثبت آنلاین رویدادهای نقض آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در افغانستان است که در سال ۱۳۹۲ هجری خورشیدی راه‌اندازی شد و داده‌های آن به صورت آنلاین و به سه زبان فارسی، پشتو و انگلیسی، درج و به نشر می‌رسد. در نشر داده‌ها در ردیاب، ملاحظات امنیتی و مصونیتی خبرنگاران در نظر گرفته می‌شود و به همین خاطر در برخی موارد جزئیات و یا مشخصات رسانه‌ها و یا کارمندان رسانه‌ای که حقوق آن‌ها نقض شده است درج نمی‌شود.

داده‌های ردیاب بر مبنای گزارش‌های نمایندگان و همکاران مرکز خبرنگاران افغانستان در ولایات مختلف کشور از نقض حقوق خبرنگاران و رسانه‌ها، تهیه می‌شود. افزون بر این، بخش دادخواهی مرکز خبرنگاران افغانستان بر منابع باز از جمله رسانه‌های خبری و حساب‌های خبرنگاران در شبکه‌های اجتماعی نیز نظارت می‌کند و اطلاعاتی را که از این طریق بدست می‌آورد با افراد و نهادهایی که در مورد این رویدادها آگاهی دارند و معتبر شمرده می‌شوند، بررسی می‌کند و بعد از این‌که مورد تأیید قرار گرفت، ثبت می‌کند. بخش دادخواهی مرکز خبرنگاران افغانستان رویدادهایی را که اعتبار آن‌ها تأیید نشده است، در گزارش درج نکرده است و در عین حال خاطر نشان می‌شود که ممکن است تمام موارد نقض حقوق خبرنگاران و رسانه‌ها در کشور به دلیل ملاحظات امنیتی به این نهاد گزارش نشده باشد و یا مسؤل و یا کارمند رسانه‌ای که حقوق اش نقض شده است، خواسته است رسانه‌ای نشود. افزون بر این، در این گزارش و همچنان در ردیاب آزادی رسانه‌ها، هویت برخی رسانه‌ها و یا کارمندان آسیب دیده و یا تهدید شده افشا نشده است.

چارچوب حقوقی حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در افغانستان

حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تضمین شده است. افغانستان به عنوان دولت عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مسئولیت دارد تا حقوق بشری را ترویج، حفاظت و رعایت کند و اطمینان حاصل کند که تمام افراد جامعه از جمله خبرنگاران می‌توانند از حق آزادی بیان خود استفاده کنند. این مسئولیت دربرگیرنده ایجاد فضای مناسب که در آن رسانه‌ها بتوانند به گونه مصون و مستقل فعالیت کنند، و همچنین پاسخگو کردن عواملان حمله به کارمندان رسانه‌ها، می‌باشد. قانون اساسی و قانون رسانه‌های همگانی افغانستان با در نظر داشت اصول و احکام دین اسلام و رعایت قوانین و تعهدات بین‌المللی افغانستان از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تهیه شده است.

حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در قانون اساسی افغانستان که در حکومت جمهوری در سال ۱۳۸۲ تصویب شد، به رسمیت شناخته شد. در ماده‌ی سی‌وچهارم قانون اساسی افغانستان آمده است: «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله‌ی گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون اراییه‌ی قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد». وزارت عدلیه اداره حاکم در ابتدای سال ۱۴۰۳ اعلام کرد که این قانون لغو شده است.

همچنان، چارچوب حقوقی رسانه‌های آزاد و خبرنگاران افغانستان در قانونی اختصاصی آن-قانون رسانه‌های همگانی- ترسیم شده است. این قانون در سال ۱۳۸۷ تصویب شد و سپس در سال ۱۳۹۳ برخی مواد آن تعدیل و اصلاح شد و در ۱۱ فصل و ۵۵ ماده به نشر رسید. قانون رسانه‌های همگانی از حق آزادی فکر و بیان، رسانه‌های آزاد و مستقل و دسترسی آزادانه به اطلاعات حمایت می‌کند. افزون بر این، در زمینه دسترسی به اطلاعات نیز قانون اختصاصی دسترسی به اطلاعات وجود دارد که از جمله بهترین قوانین موجود در جهان به حساب می‌آید. این قانون در سال ۱۳۹۳ تصویب شد و سپس دو بار در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تعدیل شد.



GMIC/AFJC

نشست خبری مقام‌های اداره حاکم، «مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت»، کابل- ۳۱ اسد ۱۴۰۲

دو دستگی اداره حاکم و ابهام در اجرای قانون رسانه‌ها

در سال ۱۴۰۳ رویکرد دوگانه و مبهم اداره حاکم در امور رسانه‌ها و در مجموع آزادی بیان ادامه پیدا کرد و دو دستگی در زمینه اجرای قوانین رسانه‌ای، چگونگی آزادی و حمایت از رسانه‌ها و خبرنگاران بیشتر نمایان شد.

برخوردها با موضوع آزادی رسانه‌ها نشان داد که یک دسته که شامل سخنگوی اداره حاکم در قندهار، مقام‌های وزارت اطلاعات و فرهنگ و برخی از مقام‌های به اصطلاح «میانرو» در بدنه اداره حاکم می‌شود، مخالف رویکرد بسیار تند و افراطی با رسانه‌های آزاد و خبرنگاران هستند و دست‌کم در مواردی دیدگاه خود را در این زمینه به طور آشکار مطرح می‌کنند.

به طور نمونه، [شیرمحمد عباس استانکزی](#) معین سیاسی وزارت خارجه اداره حاکم در سمیناری که ۲۹ قوس ۱۴۰۳ در اکادمی علوم در کابل زیر نام «نقش رسانه‌ها در استحکام نظام اسلامی» برگزار شد بود، با اشاره به محدودیت‌ها و فشارها بر رسانه‌ها گفت: «انتقادات و محدودیت‌های زیاد بالای آنها هیچ فایده‌ای ندارد، به جز ضرر. بنابراین، درخواست من از حکومت و امارت اسلامی [حکومت طالبان] این است که رسانه‌های ما را تقویت کنند، پشت آن‌ها بایستند و در مسائل جزئی کار را برایشان سخت نکنند و اجازه دهند به مبارزه خود را با رسانه‌های جهان ادامه دهند. این کار زمانی انجام می‌شود که فاصله میان امارت اسلامی و رسانه‌ها به پایان برسد.»

استانکزی افزود: «اگر شخصی به رسانه‌ای می‌آید و در مورد موضوعی صحبت می‌کند، در میزگرد شرکت کرده و یا نظر می‌دهد و از برخی مسائل حکومت [طالبان] انتقاد می‌کند، باید در مقابل آن فرد صبر و حوصله شود. این طور نیست که اگر کسی نظر خود را در مورد موضوعی بیان کند مجرم باشد؛ زیرا عقاید متفاوت است و همه افغانستان به یک نظر واحد نیست.»

همزمان با این، حیات‌الله مهاجر فراهی معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم در این سمینار گفت: «ماه‌چ‌گاه راه تقابل با رسانه‌ها را پیش نگرفتیم. برای رسانه‌ها آدرس مشخص موجود است و دروازه وزارت اطلاعات و فرهنگ به‌روی رسانه‌های باز است.»

افزون بر این، از نگاه دسته اول، قانون رسانه‌های همگانی مصوب دوران حکومت جمهوری-بجز برخی موارد- اجرایی است و یا طرح تعدیل این قانون که آزادی رسانه‌ها را در چارچوب خاصی به رسمیت می‌شناسد و از رسانه‌های آزاد حمایت می‌کند، با «اندکی تغییر» در مراحل نهایی است و قرار است به زودی از سوی رهبری اداره حاکم توشیح شود.



Zabihullah (ذبیح الله م.) @Zabehulah_M33 · Jan 28, 2022

...

۲/۲- چنین کردن سبب رقابت ناسالم بین رسانه می‌گردد.
اگر رسانه‌های مذکور واقعا به گونه رسانه‌های نورمال فعالیت می‌خواهند، باید جواز های ختم‌شده خود را دوباره تمدید کنند، مالیه‌های سابقه را بپردازند و در چهارچوب قانون رسانه‌ها به گونه سالم و واقعی فعالیت رسانایی نمایند.



8



26



237



ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی اداره حاکم در اکس(توییتر سابق) پیامی نشر کرد و از رسانه‌ها خواست بر مبنای این قانون فعالیت کنند.

ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی اداره حاکم ۸ دلو ۱۴۰۰ در صفحه اکس(توییتر سابق) نوشت که رسانه‌ها باید در چارچوب قانون رسانه‌ها به گونه سالم فعالیت کنند. مجاهد ۱۳ دلو همان سال در نشستی در کابل بر قابل اجرا بودن قانون رسانه‌ها تاکید کرد.

در حالی که بیش از سه سال بازگشت طالبان به قدرت سپری شده است اما سرنوشت طرح تعدیل شده قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات در سال ۱۴۰۳ نیز مشخص نشد. ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی اداره حاکم ۱۶ جدی ۱۴۰۲ گفت: «قانون رسانه‌ها ان‌شاءالله عنقریب نهایی می‌شود، در او [قانون رسانه‌ها] وزارت اطلاعات و فرهنگ و نهادهای قانونی مثل وزارت امر به معروف و همچنان وزارت عدلیه، این‌ها کارهای خود را انجام دادند و به خاطر منظوری نهایی رفته [به رهبر طالبان فرستاده شده]، امیدوار هستیم که زود نهایی شود.» افزون بر این، خیرالله خیرخواه سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ۴ سرطان ۱۴۰۳ در نشست خبرنگاران ولایت پکتیا که در گردیز مرکز این ولایت برگزار شده بود، گفت که قانون پیشین رسانه‌های همگانی، «با شریعت» و «اصول امارت اسلامی» برابر است و با «اندکی تفاوت»، به زودی توشیح خواهد شد و در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت.

هر چند تا هنوز در زمینه تعدیل این قوانین با خبرنگاران و کارشناسان امور مشورت نشده است و جزئیات تغییرات اندک اعلام شده در قانون رسانه‌ها نیز اعلام نشده است اما حیات‌الله مهاجر فراهی، معین امور نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ حکومت طالبان ۱۹ میزان ۱۴۰۲ مورد محتوای طرح تعدیل قانون رسانه‌ها گفته بود که «در این قانون به سه مورد بیشتر تاکید شده است؛ احترام به ارزش‌های اسلامی، فرهنگ افغانی و منافع ملی کشور.»

مهاجر فراهی ۳۰ قوس ۱۴۰۳ در پاسخ به پرسش مرکز خبرنگاران افغانستان که آیا قانون رسانه‌های همگانی حکومت جمهوری تا زمانی که طرح تعدیل این قانون از سوی رهبری طالبان توشیح شود، قابل اجرا و نافذ است؟، گفت: «بله، بجز بعضی از موارد، بسیاری از [بخش‌های] آن.»

اما دسته دوم بیشتر شامل عناصر به شدت محافظه‌کار سنتی و مذهبی می‌شود که مطابق با دیدگاه ملا هبیت‌الله آخندزاده رهبر طالبان که در ۲۱ میزان ۱۴۰۱ گفت که در راستای ایجاد «نظام خالص شرعی» در افغانستان، تمام قوانین و لوایح تصویب شده دو دهه اخیر [قبل از بازگشت دوباره طالبان به قدرت] را بررسی و هیچ موضوع «ناروا» و «غیر اسلامی»

را تحمل نخواهد کرد- روند «اصلاح» امور مرتبط با رسانه‌ها را پیش می‌برند و در این زمینه حرف آخر را می‌زنند. فضل‌هادی صاحب‌زاده رئیس قانون‌گذاری وزارت عدلیه اداره حاکم ۲۴ حمل ۱۴۰۳ گفت تمام قوانین حکومت پیشین لغو شده است.

با وجود این، این دسته به شدت محافظه‌کار بخاطر پیشبرد اقدامات خود از قدرت و توانایی ریاست عمومی استخبارات و وزارت امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌کند و این مسئله باعث نگرانی جدی جامعه رسانه‌ای کشور شده است. ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی ارشد نظام حاکم ۲۹ ثور ۱۴۰۱، سه ماه قبل از آغاز به کار دوباره کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای، در واکنش به این نگرانی‌ها گفته بود «از این به بعد اگر کدام تخطی صورت می‌گیرد، از سوی رسانه‌ها یا مربوط به رسانه‌ها بجای این‌که استخبارات یا ارگان‌های دیگر مداخله بکند یا تحقیر و توهین به میان بیاید، کمیسیون تخطی‌ها احیاء شده و عنقریب کار خود را آغاز می‌کند.»

یک سال بعد، در ۱۲ حمل ۱۴۰۲ ملا خیرالله خیرخواه سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم این نگرانی را مطرح کرد. وی بعد از نشستی با نمایندگان وزارت امور داخله، امر به معروف و نهی از منکر و استخبارات در کابل، از گفتگو بر توافق‌نامه مشترک با این ادارات خبر داد و گفت که بر مبنای آن هر تصمیمی که قرار است در امور رسانه‌ها و خبرنگاران گرفته شود باید وزارت اطلاعات و فرهنگ و کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای در جریان قرار گیرد و سایر ادارات به گونه مستقیم مداخله نکنند. با وجود این، محتسبان یا پولیس مذهبی با اختیارات وسیعی که بعد از نشر قانون امر به معروف و نهی از منکر در ۳۱ اسد ۱۴۰۳ بدست آوردند، - بایدها و نبایدها را برای مردم از جمله کارکنان رسانه‌ها تعیین می‌کنند و از این طریق کمیسیون زیر پوشش وزارت اطلاعات و فرهنگ را به حاشیه برده‌اند.



یک سال بعد از بازگشت دوباره طالبان به قدرت، کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای با ترکیب جدید در وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ایجاد شد اما زنان در آن حضور ندارند. تصویر: نشست کمیسیون در کابل، ۵ میزان ۱۴۰۳ MoIC/AFJC

کمیسیون‌های رسانه‌ای

کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای

کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای که در زمان حکومت جمهوری مطابق با قانون رسانه‌های همگانی ایجاد شده بود، با بازگشت دوباره طالبان به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ غیرفعال شد. عبدالحق حماد از مسؤولان وقت وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ۳۱ اسد ۱۴۰۱ گفت که کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای یک روز دیگر و بر مبنای قانون رسانه‌های همگانی آغاز به فعالیت خواهد کرد و نشست نخست طبق این اعلان در ۱ سنبله همان سال برگزار شد.

ترکیب کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای با ۱۱ عضو و در نظر گرفتن حضور زنان به سرپرستی وزیر اطلاعات و فرهنگ در قانون رسانه‌ها مشخص شده است. اما این کمیسیون در اداره حاکم با اعضای بیشتر و بدون هیچ عضو زن شکل گرفته است. کمیسیون جدید در بیشتر از دو سال گذشته دستکم دو بار دستخوش تغییر بوده است در سال ۱۴۰۳ شمار اعضای آن به ۱۷ نفر رسید که سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم، به عنوان رئیس و پنج نفر از مسؤولان این وزارت، نمایندگان وزارت‌های عدلیه، امر به معروف و اداره استخبارات، نماینده دانشکده ژورنالیزم دانشگاه کابل، چهار نماینده از نهادهای خبرنگاری و سه نماینده از رسانه‌ها به عنوان عضو در آن حضور دارند.

هر چند جزئیات چگونگی شکل‌گیری دوباره این کمیسیون منتشر نشده است و حتی اطلاعات و روایت اعضای آن در این زمینه نیز یکسان نیست. یک عضو این کمیسیون به مرکز خبرنگاران افغانستان گفت: «کمیسیون با در نظر داشت قانون رسانه‌های همگانی تشکیل شده است و به همان نام مشخص شده در قانون اما با ترکیبی متفاوت و اعضای بیشتر فعالیت دارد.» وی افزود: «چون حکومت قبلی از بین رفته است و ساختار سیاسی نو شکل گرفته است ترکیب کمیسیون نیز با

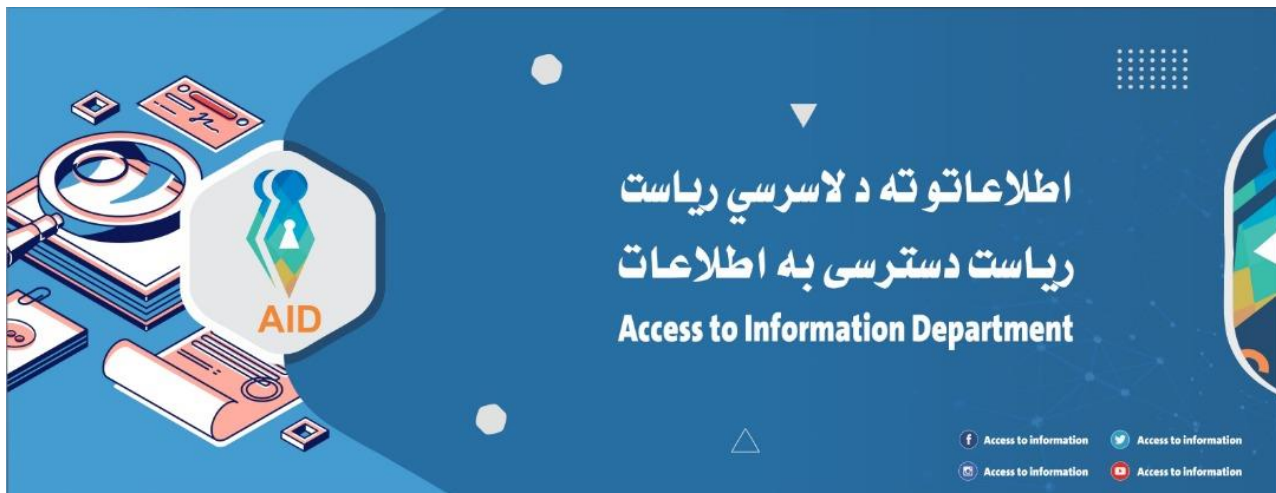
در نظر داشت همین ملاحظات می‌باشد.» بر معلومات وی، بسیاری از امور دیگر مرتبط با رسانه‌ها از جمله چگونگی تاسیس، صدور جواز کار برای رسانه‌های جدید و یا تمدید جوازهای سابق و امتیاز و مالیکیت رسانه‌ها بر مبنای قانون رسانه‌ها صورت می‌گیرد.

اما یک عضو دیگر کمیسیون گفت که بنیاد حقوقی ایجاد دوباره کمیسیون مشخص نیست. وی افزود: «کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای نه بر مبنای قانون رسانه‌ها که به درخواست وزارت اطلاعات و فرهنگ و حکم ریاست‌الوزار [طالبان] ایجاد شده است، چون اگر بر مبنای قانون رسانه‌ها می‌بود نیازی به حکم تازه نبود.» وی افزود: «به ادارات و نهادهای مختلف مکتوب رسمی فرستاده شده بود تا نماینده‌شان را برای عضویت معرفی کنند و اعضای کنونی به این شکل به کمیسیون آمدند و برای یک دوره یک ساله کار خواهند کرد اما تا اکنون طرز‌العمل کاری آن مشخص نیست.»

این عضو کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای گفت به این باور است که در شرایط کنونی وجود آن ضروری است و می‌تواند «تا حدودی» در بهبود وضعیت مؤثر باشد. تا اکنون جزئیات نشست‌های کمیسیون رسانه‌ای نشده است اما گفته می‌شود که بخاطر آزادی شماری از خبرنگاران بازداشت شده و کاهش فشار نهادهای امنیتی اداره حاکم بر رسانه‌ها و رسیدگی به مسائل حقوقی آن‌ها تلاش کرده است. با وصف این، در مواردی این کمیسیون نتیجه تصمیم‌هایش را اعلام کرده است که نشان می‌دهد بر خلاف ماهیتش، به ابزاری در جهت سرکوب رسانه‌های آزاد تبدیل شده است.

به طور نمونه در ۲۸ حمل ۱۴۰۳ کمیسیون در نشستی فیصله کرد که جواز تلویزیون‌های خصوصی نور و بریا در کابل به تعلیق درآید. یک روز بعد از این نشست دفاتر هر دو تلویزیون در کابل بسته شد. دلیل این «عدم رعایت اصول خبرنگاری، نادیده گرفتن ارزش‌های ملی و اسلامی و دامن زدن به تعصب قومی، زبانی و سمتی»، اعلام شد؛ اتهامی که از سوی مسؤلان هر دو تلویزیون به شدت رد شد.

در یک رویداد دیگر، ۱۶ دلو ۱۴۰۳، وزارت اطلاعات و فرهنگ اعلام کرد که دفتر رادیو «بیگم» در کابل را که افزون بر «تخلفات متعدد»، برای یک تلویزیون مستقر در خارج از کشور محتوای رسانه‌ای و برنامه تولید می‌کرد، بسته است.



کمیسیون دسترسی به اطلاعات

کمیسیون دسترسی به اطلاعات در زمان حکومت جمهوری و بر مبنای قانون دسترسی به اطلاعات در ۹ جدی ۱۳۹۷ به عنوان یک نهاد مستقل ایجاد و آغاز به کار کرد. کمیسیون مستقل دسترسی به اطلاعات بعد از سقوط نظام جمهوری غیر فعال شد اما بعد از یک تاخیر طولانی در ۲۴ قوس ۱۴۰۱ در وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ادغام شد و اکنون به عنوان ریاست دسترسی به اطلاعات فعالیت می‌کند.

ترکیب ریاست تازه و جزئیات کار آن در زمینه بهبود دسترسی به اطلاعات به دسترس نیست. رحمت الله نریوال، رئیس ریاست دسترسی به اطلاعات در وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ۱۷ عقرب ۱۴۰۳ تأیید کرد که موانعی در زمینه دسترسی به اطلاعات وجود دارد. وی در توجیه این موضوع گفت: «ریاست دسترسی به اطلاعات تمام تلاش خود را می‌کند تا هر گونه مانع دسترسی به اطلاعات را برطرف سازد. قطعاً موانعی وجود خواهند داشت، زیرا اوضاع به همین شکل است. یک نظام با نظام دیگر متفاوت است و هر نظام اصول خاص خود را دارد، بنابراین در دسترسی به اطلاعات تفاوت‌های وجود خواهد داشت، اما تلاش تمام بخش‌ها تضمین حق دسترسی به اطلاعات است.»

رونماه انیس که تحت پوشش وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم کار می‌کند، ۱۷ عقرب ۱۴۰۳ گزارش داد که به منظور بهبود دسترسی به اطلاعات و تقویت رسانه‌ها در بیشتر از سه سال گذشته تلاش‌ها و اقداماتی از طرف ریاست الوزرای اداره حاکم صورت گرفته است. این نشریه به طور نمونه گفته است که در این مدت به منظور گزارش‌دهی در مورد کارکردهای حکومت طالبان به مردم، ۱۲۳ نشست خبری برگزار شده است. بر پایه گزارش انیس، در این مدت تنها از طرف دفتر ریاست الوزرای اداره حاکم حدود ۴۰ نشست به منظور هماهنگی و بررسی مشکلات در زمینه دسترسی به اطلاعات با مسؤلان رسانه‌ها و خبرنگاران، و ۲۴۶ نشست خبری و ۷ کنفرانس بزرگ برگزار شده است. همچنین در این گزارش آمده است که در سه سال گذشته ۵۱۲ بسته ثبت شده خبری توسط سخنگویان ادارات مختلف اداره حاکم تهیه و به رسانه‌ها فرستاده شده است و بیش از ۵۰ مصاحبه اختصاصی با رسانه‌ها صورت گرفته است.



Neda-e-Haqiqat/AFJC

رادیو ندای حقیقت، محمودرالی، ولایت کاپیسا- ۲۳ ثور ۱۴۰۳

مشکلات اقتصادی رسانه‌ها

بعد از سقوط حکومت جمهوری حدود نیمی از رسانه‌ها به دلایل مختلف از جمله توقف کمک‌های بین‌المللی و محدودیت‌های اعمال شده توسط اداره حاکم بر رسانه‌های آزاد، از فعالیت بازماندند و شمار زیادی از کارمندان با تجربه رسانه‌ای نیز در سه سال گذشته کشور را ترک کردند و این روند ادامه دارد. در حالی که رسانه‌های باقی‌مانده نیز به دلیل اعمال محدودیت‌های اداره حاکم نمی‌توانند برنامه‌های سرگرمی و نمایشنامه‌های مخاطب‌پسند نشر کنند، از همین رو درآمد ناشی از تبلیغات خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند تا جایی که حتی توانایی پرداخت بدهکاری‌های مربوط به جواز فریکونسی را ندارند.

وزارت مخابرات اداره حاکم ۲۰ حمل ۱۴۰۱ اعلام کرد که ۱۳۳ رسانه تا اکنون جواز فریکونسی را تمدید نکرده‌اند و بیش از ۲۰۰ میلیون افغانی به این وزارت بدهکار هستند. این وزارت به رسانه‌های بدهکار هشدار داد چنانچه بخاطر تمدید جواز فریکونسی اقدام نکنند، جواز آن‌ها لغو خواهد شد.

به طور نمونه، ۱۵ اسد ۱۴۰۳ اداره خدمات مخابراتی وزارت مخابرات (اترا)، جواز فریکونسی ۱۷ رسانه محلی در ولایت ننگرهار را بخاطر نپرداختن بدهکاری، به تعلیق درآورد. یک رادیو و تلویزیون‌های محلی در ننگرهار به عنوان یک ولایت درجه اول، هر سال باید برای تمدید جواز فریکونسی ۱۰۸۰۰۰ (یک صد و هشت هزار افغانی) و همچنان ۲۵ دالر هزینه جانبی بپردازند. در حالی که این مبلغ در ولایات درجه دوم و درجه سوم که کوچکتر هستند، کمتر است اما به گفته منابع بیشتر رسانه‌های محلی از این لحاظ مقروض هستند و میزان قرض‌داری آن‌ها از یک سال تا بیش از ۱۰ سال می‌باشد.

هرچند این رسانه‌ها همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند اما مدیر مسؤل یک رادیوی محلی در تخار به مرکز خبرنگاران افغانستان گفت که هزینه‌های جانبی ناشی از انواع مالیات و برق نیز زیاد است در حالی که به گفته وی آگاهی‌های تجارتي

که به کمک نهادهای بین‌المللی در بخش‌هایی چون صحت، مواد مخدر و صلح به رسانه‌ها داده می‌شد نیز به شکل قابل ملاحظه کاهش یافته است.

به گفته برخی منابع، درخواست‌های زیادی از سوی مسئولان رسانه‌ها مطرح شد تا هزینه [جواز فریکونسی](#) کاهش یابد و به رسانه‌ها فرصت داده شود قروض‌شان را به صورت قسطی به مدت سه سال پرداخت کنند، اما تا اکنون نتیجه مثبتی نداشته است. عنایت‌الله الکوزی سخنگوی [وزارت مخابرات](#) اداره حاکم ۲ جدی ۱۴۰۳ به مرکز خبرنگاران افغانستان گفت که کمیته‌ای برای رسیدگی به این درخواست‌ها تشکیل شده است و قرار است بعد از بررسی و ارزیابی همه جانبه در این زمینه تصمیم بگیرد.

با وجود این وضعیت، در ابتدای ماه دلو سال ۱۴۰۳ که امریکا برنامه تعلیق کمک‌های خارجی خود را اعلام کرد، نهادهای حقوق بشری و رسانه‌های زیادی در کشورهای مختلف از جمله افغانستان تحت تاثیر این تعلیق قرار گرفتند. یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که با تعلیق کمک‌های مالی امریکا، پروژه‌های رسانه‌ای وابسته به آن در افغانستان نیز متوقف شده است و این روند نه تنها بخش عمده‌ی رسانه‌های آزاد در داخل کشور، بلکه رسانه‌های تبعیدی را که به نوعی از این کمک‌ها بهره‌مند می‌شدند به مشکل جدی در تامین هزینه‌ها مواجه کرده است و ممکن است در صورت قطع کامل این کمک‌ها، شماری زیادی از این رسانه‌ها با کاهش شدید فعالیت کاری، کارمندان زیادی را از دست بدهند و یا بسته شوند.



تلویزیون ملی افغانستان بعد از بازگشت دوباره طالبان به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰، دستخوش تغییرات زیادی بوده است. تصویر: بخش خبری به زبان پشتو، ۴ جدی ۱۴۰۳ RTA/AFJC

سیاست رسانه‌های اداره حاکم

در صفحه ۷ این گزارش زیر عنوان «دو دستگی اداره حاکم و ابهام در اجرای قانون رسانه‌ها» اشاره شد که دسته‌ای در اداره حاکم که افکار به شدت محافظه‌کار و به خیلی سنتی دارند عامل تشدید محدودیت‌ها و سرکوب آزادی رسانه‌ها در کشور می‌باشد. این دسته بدون توجه به مبانی حقوقی و قانونی داخلی و تعهدات بین‌المللی کشور، در صدد «تطبیق صد درصدی» همه امور از جمله رسانه‌ها به برداشت مورد نظر خود از اسلام هستند تا هنگامی که به گفته باورمندان این نظریه، «نظام خالص شرعی» در کشور شکل بگیرد. برای پیشبرد این روند، در حالی که سخنگویان ارشد و مقام‌های وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم قانون رسانه‌ها را قابل اجرا می‌خوانند و همین دسته مدیریت طرح تعدیل قانون رسانه‌ها و قانون حق دسترسی به اطلاعات را به عهده دارد و همزمان به ابلاغ دستورالعمل‌ها یا فرمان‌های رسانه‌های ادامه می‌دهند.

یافته‌های [ردیاب آزادی رسانه‌ها](#) در مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که مقام‌های اداره حاکم در سال ۱۴۰۳ دستکم ۵ دستورالعمل تازه به رسانه‌ها ابلاغ کردند در حالی که از زمان بازگشت دوباره طالبان به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰، دستکم ۱۷ دستورالعمل به رسانه‌ها ابلاغ و اعمال شد که از تعداد چهار مورد آن در سال ۱۴۰۲ بود.

ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان که در ماده هفدهم قانون جنجالی امر به معروف و نهی از منکر آمده است، ممنوعیت پخش زنده برنامه‌ها و یا میزگردهای سیاسی و اقتصادی، ممنوعیت تهیه و نشر برنامه‌های چالشی و یا انتقادی پیرامون قوانین و پالیسی‌های اداره حاکم، ممنوع بودن دعوت از مهمان‌های برنامه‌های رسانه‌ها که از سوی مقام‌های طالبان تأیید نشده‌اند، و الزام رسانه‌ها به استفاده از کلمه‌های «شهید» و «شهادت» در بازتاب رویدادهای مرتبط با کشته شدن مقام‌های اداره حاکم، دستورالعمل‌های رسانه‌های است که در سال ۱۴۰۳ به رسانه‌ها ابلاغ و اجرا شد.

۱۷ [دستورالعمل ابلاغ شده قبل از سال ۱۴۰۳](#) طیف وسیعی از محدودیت‌ها از جمله ممنوعیت حضور زنان در رسانه‌های تحت پوشش اداره حاکم از جمله رادیو و تلویزیون ملی، تا ممنوعیت پوشش تظاهرات، ممنوعیت موسیقی، محدودیت شدید

در حضور زنان در رسانه‌ها و چگونگی پوشش زنان و سفر آنان، ممنوعیت نقش آفرینی زنان در نمایش‌نامه‌ها و برنامه‌های سرگرمی تلویزیونی، ممنوعیت مصاحبه با مخالفان اداره حاکم، ممنوعیت پخش برنامه‌های تلویزیونی بین‌المللی از طریق رسانه‌های افغانستان، ممنوعیت نشر فلم و سریال از طریق رسانه‌ها، ممنوعیت نقد مسؤلان طالبان، ممنوعیت نشر صدای زنان در هلمند، ممنوع بودن همکاری با رسانه‌های «تبعیدی»، ممنوعیت نشر اعلان‌های تجاری با محتوای سیاسی، امنیتی و اجتماعی بدون هماهنگی قبلی با اداره حاکم، اعمال محدودیت بر رسانه‌ها در کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات زبانی، ممنوعیت عکاسی و مصاحبه تصویری در قندهار و ممنوعیت تماس تلفنی زنان با رسانه‌ها در خوست را در برمی‌گیرد.

دستورالعمل‌های ابلاغ شده رسانه‌ای در سال ۱۴۰۳

در سال ۱۴۰۳، مقام‌های اداره حاکم دست‌کم پنج دستورالعمل رسانه‌ای به رسانه‌ها ابلاغ کردند که در مقایسه با سال ۱۴۰۲، یک مورد بیشتر است. یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که مقام‌های طالبان از زمان بازگشت به قدرت در ۲۴ اسد ۱۴۰۰، دست‌کم ۲۲ دستورالعمل به رسانه‌ها ابلاغ کرده‌اند.

۱- ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان

وزارت عدلیه اداره حاکم ۳۱ اسد ۱۴۰۳ اعلام کرد که قانون امر به معروف و نهی از منکر که به اساس فرمان ملا هبت الله آخندزاده رهبر طالبان ترتیب شده است، در ۴ فصل و ۳۵ ماده توشیح شده است و اکنون با نشر در جریده رسمی این وزارت، اجرایی می‌باشد. در ماده هفدهم این قانون به شکل مبهم گفته شده است که به محتسب مسؤلیت داده شده است تا مسؤلین رسانه‌ها را مکلف سازند تا از نشر مطالب مخالف شریعت و مذهب، نشر مطالبی که باعث تحقیر و

توهین مسلمان می‌شود جلوگیری کند. در بند دیگری از این ماده به محتسبان اجازه داده شده که مانع نشر مطالبی شوند که عکس‌های ذی‌روح (جان‌دار) در آن باشد.

در ماده چهارم این قانون آمده است که این قانون در تمام ادارات، امکان عمومی و بر اشخاصی که در قلمرو افغانستان اقامت دارند، تطبیق می‌شود. این قانون «اختیارات وسیعی» را به محتسبان (نیروی اجرایی وزارت امر به معروف و نهی از منکر) می‌دهد. گستردگی احکام به نحوی است که به محتسبان این اجازه را می‌دهد تا بر رفتار، پوشش و ظاهر شهروندان نظارت داشته باشند و بایدها و نبایدها را تعیین کنند. در این قانون محدودیت‌هایی نیز به صورت آشکار و مبهم در نظر گرفته است که می‌تواند کار رسانه‌ها و خبرنگاران و به طور خاص خبرنگاران زن را تحت تأثیر قرار دهد.

افزون بر این، در بند نهم ماده بیست و دوم این قانون، تحت عنوان «منکرات خاص» آمده است که محتسب وظیفه دارد تا از سوء استفاده از تیپ (دستگاه ضبط صدا)، رادیو و سایر اشیاء مانند آن و تهیه و تماشای عکس و فیلم اشیاء ذی‌روح (جان‌دار) در کمپیوتر، موبایل و سایر اشیاء مانند آن جلوگیری کند. همچنان در بند دهم این ماده از صدای زن یا موسیقی در بیرون از خانه یا مجلس به عنوان عورت (جزو خصوصی بدن) نامبرده شده است که محتسب مکلف به جلوگیری از آن می‌باشد. در بند ۲۲ این ماده از نکتایی (که در رسانه‌ها نیز مروج است)، به عنوان یکی از «نشانه‌های غیر شرعی» نامبرده شده است که محتسب باید از آن جلوگیری کند. محتوای موارد یاد شده نیز مبهم است اما مجازات کسانی که آن‌ها را رعایت نمی‌کنند مشخص شده است.

در ماده بیست و چهارم این قانون آمده است شخصی که به طور علنی عمل منکر را انجام می‌دهد با توجه به معصیت و مرتکب آن به شکل توصیه، ترساندن، تنبیه و تهدید با الفاظ قهرآمیز، ضبط اموال، بازداشت از یک ساعت تا سه روز و جزایی که محتسب آن را مناسب بداند و مختص به محاکم نباشد، مجازات خواهد شد و در صورتی که از این طریق اصلاح نشد، به محکمه معرفی می‌گردد.

در پی نشر قانون امر به معروف و نهی از منکر، وزارت امر به معروف و نهی از منکر به صورت جدی تلاش کرده است تا آن را اجرا کند. تا پایان سال ۱۴۰۳، ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان در شش ولایت دیگر از جمله تخار، بادغیس و هلمند، ننگرهار، نورستان و فراه به طور رسمی اعلام شد که تأثیر بسیار منفی بر رسانه‌ها در این ولایات گذاشت و به طور خاص باعث غیر فعال شدن تلویزیون‌های محلی شد. این تلویزیون‌ها پس از اعمال ممنوعیت نشر تصویر زنده‌جان، به شکل رادیو به کارشان ادامه دادند. (برای جزئیات بیشتر به بخش آمار نقض حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران در صفحه ۲۴ این گزارش مراجعه شود) در ننگرهار هم هر چند ممنوعیت مصاحبه مسؤلان محلی با رسانه‌ها اجرا شده است اما ممنوعیت تصاویر زنده‌جان هنوز به گونه رسمی اعلام نشده است. با وصف این، تنها تلویزیون ملی در این ولایت که زیر پوشش اداره اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم کار می‌کند بسته شده است که نشان می‌دهد برخی مسائل و فشارهای پشت پرده وجود دارد که مسؤلان محلی نمی‌خواهند در مورد آن صحبت کنند.

یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که وزارت امر به معروف و نهی از منکر روند نظارت از رسانه‌ها را بعد از نشر قانون امر به معروف گسترش داده است و به طور مستقیم و یا در همکاری با ریاست عمومی استخبارات علیه رسانه‌ای که وجود «منکر» در آن تشخیص دهد اقدام می‌کند. به طور نمونه، در روز ۱۴ قوس ۱۴۰۳ نیروهای ریاست استخبارات در هماهنگی و همراهی نمایندگان وزارت امر به معروف و نهی از منکر به طور ناگهانی به دفتر تلویزیون آرزو در کابل یورش بردند. در این رویداد، کارمندان استخبارات هفت تن از کارمندان این رسانه را بازداشت کردند و نماینده وزارت امر به معروف و نهی از منکر با نصب برچسبی رسمی، دفتر تلویزیون آرزو را بست. در سه رویداد دیگر که ۱۶ عقرب ۱۴۰۳ همزمان در خوست رخ داد، کارمندان امر به معروف دفاتر سه رادیوی خصوصی محلی از جمله غرغشت، ژمن و لونگ را به اتهام نشر موسیقی در پس زمینه برنامه‌های‌شان بستند. (به بخش آمار نقض آزادی رسانه‌ها در صفحه ۲۴ این گزارش مراجعه شود)

۳- ممنوعیت نشر برنامه‌های زنده از رسانه‌ها

۴- ممنوعیت دعوت از کارشناسانی که نامشان در فهرست مورد تأیید اداره حاکم نیست

۵- ممنوعیت به چالش کشیدن قوانین، پالیسی‌ها و تصامیم اداره حاکم

وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم ۳۱ سنبله ۱۴۰۳ در نشستی با مسؤولان برخی از رسانه‌ها در کابل، دستورالعمل‌های تازه را به آنان ابلاغ کرد که مطابق با آن نشر برنامه‌های سیاسی به طور زنده و برنامه‌هایی که قوانین و پالیسی اداره حاکم طالبان و مسؤولان آن را نقد می‌کند، ممنوع می‌باشد. افزون بر آن رسانه‌ها نمی‌توانند با کسانی که مورد تأیید حکومت طالبان نیست، گفتگو کنند.

مسؤولان شماری از رسانه‌ها در کابل به مرکز خبرنگاران افغانستان گفتند که به وزارت اطلاعات و فرهنگ دعوت شدند و در جلسه‌ای که حدود یک ساعت طول کشید، دستوری ۸ ماده‌ای به آنان ابلاغ شد. در این دستور، سه ماده (۱، ۲، ۵) آن محدودیت‌های تازه را ابلاغ می‌کند و تصریح شده است که مسؤولان رسانه‌ها و گردانندگان (مجریان) برنامه‌های تلویزیونی مکلف هستند آن را اجرا کنند:

(۱) گفتگوها (بحث‌ها) باید ثبت شوند و نباید به صورت زنده باشند؛

(۲) کارشناسان باید مطابق با فهرست جدید خواسته شوند، دعوت از کسانی که نامشان در این فهرست موجود نیست، ممنوع است؛

(۳) برای دعوت کسی که اسم آن در فهرست نیست، از ریاست نظارت بر رسانه‌ها (وزارت اطلاعات و فرهنگ) اجازه گرفته شود؛

(۴) صبح هر روز فهرست برنامه‌ها و مهمانان بحث‌های سیاسی با ریاست نظارت بر نشرات شریک ساخته شود و بعد از تأیید این ریاست، برای اجرای برنامه اقدام شود؛

(۵) به چالش کشیدن قوانین، پالیسی‌ها و تصامیم نظام [حکومت طالبان] و همچنان انتقاد بدون ثبوت از مسؤولان ممنوع می‌باشد.

(۶) مسؤل رسانه، اداره رسانه، گرداننده و ویراستار (ایدیتور) برنامه‌ها مکلف هستند تا بعد نشر برنامه (ثبت شده)، نقاط ضعف، موضوعات حساسیت بر انگیز، انتقادهای صورت گرفته به امارت اسلامی [حکومت طالبان] و مسؤولان آن را حذف کنند؛

(۷) در صورت تخلف از نکات فوق، رئیس عمومی رسانه، مسؤل نشر، گرداننده برنامه، ایدیتور (تهیه کننده/ویراستار) و کارشناس سیاسی [مهمان برنامه]، متخلف شناخته می‌شوند و با آن‌ها مطابق با اصول برخورد خواهد شد؛

(۸) اشتباه نشراتی و رسانه‌ای باید به شکل رسانه‌ای جبران شود.

مرکز خبرنگاران افغانستان به فهرست مورد اشاره این دستورالعمل نیز دسترسی پیدا کرده است که شامل ۶۸ نفر می‌شود. گفته می‌شود یک روز قبل از این نشست موضوع به صورت شفاهی به رسانه‌ها در کابل ابلاغ شد و از مسؤولان رسانه‌ها خواسته شد تا آن را اجرا کنند. قابل یادآوری است که در رابطه به دستور ممنوعیت برنامه‌های زنده استثنا هم وجود داشته است. بررسی‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که در مواردی، برخی از تلویزیون‌ها با رعایت «خطوط سرخ» مورد نظر اداره حاکم به نشر برنامه زنده ادامه دهند.

در حالی که رسانه‌ها به دلیل محدودیت‌های اعمال شده، بیشتر از پیش بر برنامه‌های با محتوای دینی روی آورده‌اند، اما حتی در انتخاب عالمان دین و یا کارشناسان دینی برای برنامه‌های خود آزادی عمل ندارند. مدیر مسؤل یکی از رادیوها به مرکز خبرنگاران گفت که حتی به دلیل دعوت از علما و یا کارشناسان دینی که نظری متفاوت با روایت مورد نظر مقام‌های طالبان در مسائل فقهی دارند، تهدید شده است. وی گفت به طور نمونه به ما می‌گویند که فلانی «سلفی» و یا «وهابی» بود و نباید در برنامه حضور می‌داشت.

۷- الزام به «شهید» خواندن مقام‌های کشته شده اداره حاکم

در سال ۱۴۰۳ فشارها بر رسانه‌ها برای به کار بردن کلمه «شهید» به کشته شدگان اداره حاکم به ویژه مقام‌های آن افزایش یافت و این موضوع بعد از کشته شدن خلیل الرحمان حقانی وزیر امور مهاجرین اداره حاکم در کابل برجسته شد. مسؤلان برخی از رسانه‌ها در کابل به مرکز خبرنگاران افغانستان گفتند که از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره استخبارات در این زمینه زیر فشار قرار گرفتند و حتی برخی از این رسانه‌ها متن خبرهای نشر شده خود را دوباره ویرایش و کلمه شهید را اضافه کردند. افزون بر این برخی منابع به مرکز خبرنگاران افغانستان گفتند که رسانه‌ها برای کاربرد عناوین و القاب مذهبی و یا تشریفاتی برای مقام‌های اداره حاکم از جمله لقب «امیرالمؤمنین» برای ملا هبیت‌الله آخندزاده رهبر آن تحت فشار قرار دارند.

فشار بر رسانه‌های داخلی و ممنوع بودن کار با رسانه‌های «تبعیدی»

مفهوم «رسانه‌های تبعیدی» در افغانستان بعد از سقوط نظام جمهوری در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ که به بازگشت دوباره طالبان به قدرت منجر شد، شکل گرفت. صدها خبرنگار و کارمند رسانه در پی این تحول کشور را ترک کردند و بیشتر آن‌ها در کشورهای غربی پناهنده شدند و شماری از آن‌ها به رسانه‌های خارج از کشور به ویژه رسانه‌هایی که برای افغانستان برنامه تولید می‌کنند، جذب شدند. در بیشتر از سه سال گذشته که فضای کار آزاد رسانه‌ای در افغانستان به مرور بسته‌تر شده است، تلاش‌ها در بیرون از کشور برای ایجاد رسانه‌های آزاد در تبعید بیشتر شده است. بیشتر این رسانه‌ها به شکل نشریه‌های آنلاین فعالیت دارند و تعدادی تلویزیون هم به این مجموعه که به طور پراکنده و بیشتر در کشورهای اروپایی، امریکا و یا کانادا مستقر هستند، اضافه شده است. این رسانه‌ها با توجه به محدودیت‌های موجود در کشور نمی‌توانند مجوز فعالیت از نهادهای حکومت طالبان بدست آورند اما خبرنگارانی هستند که در داخل کشور با آن‌ها همکاری می‌کنند و این همکاری به دلیل تهدیدها و خطرهای موجود به طور پنهانی صورت می‌گیرد. در این میان رسانه‌هایی هم هستند که قبل از سقوط نظام جمهوری در افغانستان ایجاد شده بود و فعالیت داشتند اما با خروج تیم‌های مدیریتی این رسانه‌ها و شماری از کارمندان‌شان از کشور، به طور قانونی در کشورهای دیگر ثبت شدند و از آنجا کارشان را ادامه دادند.

یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که به خبرنگاران در تمام ولایات کشور در مورد همکاری با رسانه‌های به اصطلاح تبعیدی از جمله تلویزیون افغانستان اینترنشنال، تلویزیون آمو و نشریه‌های هشت صبح و اطلاعات روز هشدار داده شده است. مقام‌های طالبان مدعی هستند که این رسانه‌ها علیه اداره حاکم در کشور تبلیغ می‌کنند. به طور نمونه ۲۰ ثور ۱۴۰۳ کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای از کارشناسان، تحلیل‌گران و خبرنگاران خواست تا از شرکت در بحث‌های رادیو و تلویزیون افغانستان اینترنشنال و «هر نوع همکاری» با این رسانه مستقر در لندن خودداری کنند. این کمیسیون همچنین افغانستان اینترنشنال را به «عدم‌بی‌طرفی» متهم کرد که فرصتی را برای مخالفان حکومت طالبان فراهم می‌کند تا علیه «نظام در افغانستان» صحبت کنند. کمیسیون در عین حال ارائه تسهیلات برای زمینه‌سازی پخش این رسانه در اماکن عمومی را ممنوع کرد. در ۲۳ سنبله ۱۴۰۳ افغانستان اینترنشنال گزارش داد که حکومت طالبان روی پخش ماهواره‌ای این رسانه پارازیت فرستاده تا مخاطبان نتوانند برنامه‌هایش را به درستی دریافت کنند.

بر پایه آمار ثبت شده در ردیاب آزادی رسانه‌ها-ی مرکز خبرنگاران افغانستان، دستکم ۲۴ تن از مجموع ۵۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌های بازداشت شده در سال ۱۴۰۳، به اتهام همکاری با رسانه‌های تبعیدی بازجویی شده‌اند.



ShamshadTV/AFJC

یک گوینده خبر در تلویزیون خصوصی شمشاد، کابل- ۳ جدی ۱۴۰۳

وضعیت زنان شاغل در رسانه‌ها

پیشتر توضیح داده شد که مبنای سیاست رسانه‌ای اداره حاکم، دستورالعمل‌هایی است که در بیشتر از سه سال گذشته به رسانه‌ها ابلاغ شده است. شمار این دستورالعمل‌ها تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۲۲ مورد رسید که بر همه کارکنان رسانه‌ها اعمال شده است اما دستکم پنج مورد از آن‌ها ویژه زنان بوده است. این دستورالعمل‌ها شامل محدودیت کار زنان در رسانه‌های تحت پوشش اداره حاکم از جمله رادیو تلویزیون ملی، ممنوعیت حضور زنان در نمایش‌نامه‌های تلویزیونی، محدودیت در چگونگی حضور، کار، رفتار، سفر، پوشش لباس خبرنگاران زن در رسانه‌ها، ممنوعیت مصاحبه زنان با مردان و برعکس، ممنوعیت رسمی نشر صدای زنان در رسانه‌های هلمند و ممنوعیت تماس تلفنی زنان با رسانه‌ها در خوست می‌شود که تأثیر این دو محدودیت آخر در دیگر ولایات نیز محسوس بوده است و پس از نشر قانون امر به معروف و نهی از منکر مبنای به اصطلاح قانونی نیز پیدا کرده است. در همین راستا، مرکز خبرنگاران افغانستان گزارش‌های متعددی در سال ۱۴۰۳ از رسانه‌های خصوصی و آزاد در ولایات مختلف کشور دریافت کرد که نشان دهنده افزایش فشارها بر رسانه‌ها برای خودداری از حضور و یا نشر صدای زنان و یا به حداقل رساندن آن می‌باشد. این فشارها در زمینه تماس تلفنی زنان با رسانه‌ها شدیدتر و به شیوه هشدار و تهدید بوده است. فشارها بر زنان شاغل در رسانه‌ها محدود به این دستورالعمل‌ها نبوده است، بلکه برخی محدودیت‌های اعلام نشده دیگری نیز گزارش شده است که

شامل کارشکنی در تمدید جواز رسانه‌های زیر مدیریت زنان و خودداری از صدور جواز برای زنانی می‌شود که می‌خواهند رسانه‌ی جدید ایجاد کنند.

در قانون جدید امر به معروف و نهی از منکر برخی محدودیت‌های ویژه زنان از جمله حجاب کامل یا پوشش کامل بدن، سر و صورت و الزام به داشتن محرم یا همراه شرعی در سفرهای دور در نظر گرفته شده است و اجرا می‌شود. از زمان نشر این قانون در ۳۱ اسد ۱۴۰۳، رانندگان نمی‌توانند برای زنان بدون همراه شرعی مرد خدمات ارائه کنند و زنان بدون همراه شرعی اجازه سفرهای دور را ندارند که این محدودیت‌ها کار را برای زنان دشوارتر کرده است. بر اساس فرمان حجاب معرفی شده توسط وزارت امر به معروف، زنان ملزم به پوشیدن برقع (چادری) یا حجاب سیاه که بدن و صورت را می‌پوشاند، می‌باشند و بدون محرم شرعی بیشتر از ۷۸ کیلومتر نمی‌توانند سفر کنند.

به طور نمونه، یک خبرنگار زن شاغل در یکی از تلویزیون‌های خصوصی در کابل به مرکز خبرنگاران افغانستان گفت که حجاب مورد نظر را رعایت می‌کند و ماسک می‌پوشد و با این وضعیت برای تهیه گزارش بدون محرم به سطح شهر و حتی به ولسوالی‌های کابل می‌رود اما اجازه ندارد بدون همراه شرعی به یک ولایت دیگر برود. به گفته وی در مجموع برخورد مسؤلان امنیتی اداره حاکم در کابل با خبرنگاران به ویژه زنان نسبت به سال‌های گذشته بهتر شده است و او با استفاده از نامه‌ای که فرماندهی امنیه کابل داده است با همکاریش تردد می‌کنند و می‌تواند بدون مشکل خاصی گزارش تهیه کند و افزون بر این به گفته وی تفکیک خبرنگاران زن و مرد در نشست‌های خبری کمتر شده است.

در قانون امر به معروف و نهی از منکر حتی صدای زنان، خصوصی و یا عورت خوانده شده است که نباید در بیرون از خانه شنیده شود. یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که محدودیت‌های غیر آشکار بر زنان شاغل در رسانه‌های ولایات افزایش یافته است و بجز چند مورد استثنا، در بیشتر ولایاتی که کارمند رسانه‌ای زن وجود دارد، زنان از کار در دفاتر رسانه‌ها و یا گزارشگری در فضاهای عمومی محروم شده‌اند. به طور نمونه:

- ۲۶ سرطان ۱۴۰۳: مدیر مسؤل یک رادیوی محلی در یکی از ولایات شمال کشور گفت که کارمندان اداره امر به معروف به او گفتند نباید صدای زنان را تحت هیچ شرایطی نشر کند؛ حتی اعلان‌های تجاری و یا صحنی که در آن‌ها صدای زن باشد، و به همین دلیل ناچار شده است رادیو را به مدت یک روز ببندد. هرچند وی گفت که موضوع را با ریزنی در سطح محلی حل کرده است اما احساس می‌کند که اصل مسئله باقی است و با توجه به عورت خوانده شدن صدای زنان در قانون امر به معروف، ممکن است این اتفاق دوباره بیافتد.
- ۵ میزان ۱۴۰۳: خبرنگار یک رادیو محلی در یکی از ولایات غرب کشور گفت که زنان خبرنگار در این ولایت تنها اجازه دارند در برنامه‌های ویژه زنان شرکت کنند. به گفته وی این گونه محدودیت‌ها فشارها بر شمار اندکی از زنان باقی‌مانده در رسانه‌های این ولایت را که در یک جامعه به شدت سنتی کار می‌کنند افزایش داده است.
- ۲۵ قوس ۱۴۰۳: مدیر یک رادیوی محلی در ننگرهار گفت که یکی مسؤلان ریاست اطلاعات و فرهنگ با ادامه کار دو تن از دختران که به عنوان مجری در این رادیو کار می‌کردند، مخالفت کرد و این دو دختر به دلیل نگرانی امنیتی مجبور به استعفا شدند.
- ۱۵ دلو ۱۴۰۳: یک تلویزیون محلی در یکی از ولایات غرب کشور که یک داکتر زن را در یک برنامه آگاهی دهی صحنی دعوت کرده بود، زیر تهدید و فشار اداره امر به معروف و نهی از منکر ناچار شده است این برنامه را متوقف کند و پس از رویداد برنامه‌هایش را بدون مهمان زن برگزار می‌کند.
- ۲۶ جدی ۱۴۰۳: در ولایت بادغیس که اعمال دستور ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان باعث توقف فعالیت تلویزیون ملی و دو تلویزیون خصوصی شده است، مطیع‌الله متقی رئیس اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم در این ولایت به خبرنگاران گفت با توجه به این‌که صدای زن در قانون امر به معروف و نهی از منکر عورت یا

خصوصی دانسته می‌شود، رادیوهای محلی آهسته آهسته صدای زنان را کاهش دهند و زنان را به تدریج در دیگر بخش‌ها که صدای آنان شنیده نشود، مشغول کنند. هر چند متقی گفته بود که این موضوع را به گونه توصیه مطرح کرده است و امیدوار است آن را رسانه‌ها این توصیه را تا پیش از این‌که ریاست امر به معروف و نهی از منکر اقدام کند، اجرا کنند.

- صاحب امتیاز یک رسانه محلی در یکی از ولایات شمال کشور گفت که در ابتدای سال ۱۴۰۳ قصد داشته است یک رادیوی ویژه زنان را ایجاد کند اما نماینده استخبارات گفته است که این اداره صلاحیت زنان را برای مدیریت رسانه‌ها تأیید نمی‌کند. در یک ولایت دیگر نماینده یک رادیوی ویژه زنان گفت که چندین ماه از مدت اعتبار جواز کار نشراتی رادیو گذشته است اما مسئولان استخبارات و اطلاعات و فرهنگ در این زمینه کارشکنی می‌کنند. مدیر این رادیو گفت که یک مسؤل محلی به او گفته است در صورتی که مدیریت رادیو تغییر کند و یک مرد جایگزین شود، جواز رادیو تمدید خواهد شد.



Radio Begum 90.1 رادیو بیگم updated their cover photo.

March 8 at 11:41 PM · 🌐



👍👎 24

1

ریاست استخبارات در هماهنگی و حضور نماینده وزارت اطلاعات و فرهنگ رادیوهای بیگم و جوانان در کابل را که بخشی از یک شبکه رسانه‌ای خصوصی است روز ۱۶ دلو ۱۴۰۳ بست و دو کارمند این رادیوها را بازداشت کرد.

آمار نقض حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران

در مجموع دستورالعمل‌های رسانه‌ای که در سال ۱۴۰۳ به موازات قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات به دو شیوه مکتوب و شفاهی به رسانه‌ها ابلاغ شد، همانند سال‌های قبل مبنای برخورد اداره حاکم با رسانه‌ها و خبرنگاران بود. به جز ممنوعیت نشر تصویر زنده‌جان در قانون امر به معروف و نهی از منکر - در دیگر دستورالعمل‌های رسانه‌ای در مورد پیامدهای خودداری خبرنگاران و رسانه‌ها از اجرای آن‌ها چیزی گفته نشده است، با این حال یافته‌های مرکز خبرنگاران افغانستان نشان می‌دهد که خبرنگارانی که این دستورها را نادیده گرفتند، تهدید و یا زندانی شده‌اند و یا رسانه‌ها با اقدام‌های تنبیهی از جمله منع فعالیت موقت یا دائمی مواجه شده‌اند.

ریاب آزادی رسانه‌ها در مرکز خبرنگاران افغانستان در سال ۱۴۰۳، دستکم ۱۷۲ رویداد نقض حقوق خبرنگاران را ثبت کرده است که شامل ۱۲۲ مورد تهدید رسانه‌ها و خبرنگاران و ۵۰ مورد بازداشت می‌شود. موارد ثبت شده نقض حقوق خبرنگاران و رسانه‌ها در سال ۱۴۰۳ در مقایسه با سال ۱۴۰۲ حدود ۲۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ دستکم ۲۲ رسانه با دستور مستقیم و یا ناشی از فشارها و محدودیت‌های کاری اعمال شده از سوی مقام‌های اداره حاکم به شکل موقت و یا دائمی بسته شدند یا به طور غیر مستقیم به دلیل اجرای دستورالعمل‌هایی چون ممنوعیت نشر موسیقی، ممنوعیت تماس تلفنی زنان با رسانه‌ها و یا ممنوعیت گرفتن تصویر و مصاحبه تصویری از فعالیت بازماندند.

رسانه‌هایی که به طور موقت در سال ۱۴۰۳ بسته شدند

۱- رادیو نریمان، قلعه نو، ولایت بادغیس (۱۹ سنبله تا ۲ میزان)

۲- رادیو غرغشت، خوست (۱۰ عقرب تا ۱۲ عقرب)

۳- [رادیو لونگ](#)، خوست (۱۶ عقرب تا ۲ قوس)

۴- [رادیو ژمن](#)، خوست (۱۶ عقرب تا ۲۱ عقرب)

۵- [تلویزیون آرزو-کابل](#) (۱۴ قوس تا ۱۱ حوت)

۶- [تلویزیون ملی- ننگرهار](#)، جلال آباد، ننگرهار (۱۶ عقرب تا ۲۷ جدی)

۷- [یک رادیوی خصوصی محلی](#) در یکی از ولایات به دلیل نشر صدای زنان (۲۸ تا ۲۹ قوس) مشخصات این رادیو و جزئیات رویداد به دلیل ملاحظات امنیتی و به درخواست مدیر مسؤل آن در گزارش درج نشد)

رادیو نریمان بنابر دستور یک مسؤل اداره محلی بادغیس پس از آن بسته شد که قاضی محکمه ابتدایی ولسوالی قادس این ولایت حکم بازداشت سه تن از کارمندان این رادیو را به اتهام مشکلی در یکی از اسناد رادیو صادر کرد. کارمندان بعد از سه روز آزاد شدند اما رادیو بعد از حدود دو هفته اجازه بازگشایی پیدا کرد.

رادیوهای غرغشت، لونگ و ژمن به دستور اداره امر به معروف و نهی از منکر بسته شدند. یک منبع آگاه در خوست گفت که دفتر رادیو لونگ به اتهام تماس تلفنی دختران و وجود موسیقی در پس زمینه برخی برنامه‌هایش و دفاتر رادیوهای ژمن و غرغشت نیز به اتهام استفاده از موسیقی در پس زمینه برنامه‌های آن، بسته شد و هر سه رسانه بعد از سپردن تعهد کتبی مبنی بر رعایت «خطوط سرخ» اداره امر به معروف و نهی از منکر اجازه فعالیت دوباره بدست آوردند.

دفتر تلویزیون خصوصی آرزو در کابل به اتهام دوبله و نشر سریال‌های خارجی و همکاری با رسانه‌های تبعیدی توسط استخبارات و اداره امر به معروف [بسته شد](#) و استخبارات هفت تن از کارمندان این رسانه را نیز بازداشت کرد. کارمندان بازداشت شده روز ۳۰ قوس ۱۴۰۳ بعد دو هفته و سپردن «ضمانت» کتبی مبنی بر خارج نشدن از کابل و حضور در جلسه محکمه، از زندان [پل‌چرخ آزاد شدند](#). دفتر تلویزیون آرزو روز ۱۱ حوت بعد از ۸۶ روز گشوده شد و رئیس تلویزیون آرزو به مرکز خبرنگاران افغانستان گفت که دادگاه حکم بی گناهی کارمندان بازداشت شده را صادر کرده است و مشکلی برای ادامه کار آنان در این رسانه وجود ندارد و برای بازگشایی تلویزیون نیز شرایط خاصی مطرح نشده است. با وجود این یک منبع که قضیه را از نزدیک پیگیری کرده است گفت که مسؤلان تلویزیون آرزو تعهد سپرده‌اند که پالیسی رسانه‌ای اداره حاکم را رعایت کنند.

رسانه‌هایی که در سال ۱۴۰۳ بسته شدند و زمان بازگشایی آنها مشخص نیست

۱- [تلویزیون خصوصی نور-کابل](#) (۲۸ حمل)

۲- [تلویزیون خصوصی بریا-کابل](#) (۲۸ حمل)

۳- [رادیو خصوصی کاوون غگ](#)- مهترلام، لغمان (۲۴ جوزا)

۴- [تلویزیون ملی-قندهار](#) (۲۴ اسد)

۵- [تلویزیون ملی- تخار](#) (۲۲ میزان)

۶- [تلویزیون خصوصی ماه نو](#)، تالقان، تخار (۲۲ میزان)

۷- [تلویزیون خصوصی ریحان](#)، تالقان، تخار (۲۲ میزان)

۸- تلویزیون ملی-بادغیس (۱ عقرب)

۹- تلویزیون خصوصی عبور - قلعه نو، بادغیس (۱ عقرب)

۱۰- تلویزیون ملی- هلمند (۴ عقرب)

۱۱- تلویزیون خصوصی سیاوون- لشکرگاه، هلمند (۴ عقرب)

۱۲- تلویزیون ملی-فراه (۲۰ قوس)

۱۳- رادیو بیگم، کابل (۱۶ دلو)

۱۴- رادیو جوانان، کابل (۱۶ دلو)

۱۵- یک تلویزیون خصوصی- کابل (کارمندان استخبارات ۳۰ دلو با یورش به دفتر این تلویزیون، دو کارمند آن را بازداشت کردند و تلویزیون را نیز بستند. جزئیات بیشتر به دلیل ملاحظات امنیتی درج نشد)

تلویزیون خصوصی نور و بریا در کابل به دلیل آنچه که تخلف از «اصول رسانه‌ای» خوانده شد، بنابر تصمیم کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای وزارت اطلاعات و فرهنگ اداره حاکم بسته شد؛ ادعایی که مسئولان این دو رسانه رد کردند و آن را سیاسی خواندند. رادیو کاوون غگ نیز از سوی اداره استخبارات با این ادعا که «مالکیت آن متعلق به دولت است»، بسته شد؛ ادعایی که تا هنوز ثابت نشده است و منابع در کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای گفتند که این موضوع تحت بررسی قرار دارد. همچنان، مسئولان شماری دیگر از رسانه‌ها که در جریان دو دهه گذشته به همکاری نهادهای بین‌المللی ایجاد شدند، به مرکز خبرنگاران افغانستان گفتند که زیر فشار قرار دارند و حتی اداره استخبارات با تمدید جواز کاری یک تعداد از این رسانه‌ها به همین دلیل مخالفت کرده است.

شاخه محلی تلویزیون ملی در قندهار ۲۳ اسد ۱۴۰۳ و در آستانه سالگرد سقوط نظام جمهوری و بازگشت دوباره طالبان به قدرت، به دستور مسئولان اداره حاکم و بر مبنای دستور ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان بسته شد. یک هفته بعد از این موضوع، قانون امر به معروف و نهی از منکر که بنابر فرمان ملا هبت‌الله آخندزاده رهبر اداره حاکم توشیح شد. آخندزاده که حکومت طالبان را از قندهار رهبری می‌کند، به محتسبان یا پولیس مذهبی تا بر رفتار، پوشش و ظاهر شهروندان نظارت داشته باشند و به مردم بگویند که چه بایدها و نبایدهایی را رعایت کنند. از جمله موارد درج شده در این قانون، محتسبان مکلف شده‌اند تا مانع نشر مطالبی شوند که عکس‌های ذی‌روح (جان‌دار) در آن باشد.

پس از قندهار، دستور ممنوعیت نشر تصاویر زنده‌جان تا پایان سال ۱۴۰۳ به تدریج در ولایات تخار، بادغیس، هلمند، ننگرهار، نورستان و فراه نیز به طور رسمی ابلاغ و اجرا شد؛ هرچند اجرای این دستور در ننگرهار و فراه تنها بر رسانه‌های زیر نظر اداره حاکم از جمله تلویزیون ملی اعمال شد و رسانه‌های خصوصی در این زمینه مشکل جدی نداشتند. با وجود این، بر مبنای بررسی مرکز خبرنگاران افغانستان در ماه حوت ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که محدودیت نشر تصویر زنده‌جان و مصاحبه تصویری تا حدودی در این ولایات کاهش یافته است. در قندهار، تخار، بادغیس و هلمند، تلویزیون ملی تا زمان نشر این گزارش در ۲۶ حوت ۱۴۰۳ همچنان غیر فعال بود و در نورستان که بخش ولایتی تلویزیون ملی ندارد، ممنوعیت نشر تصویر و مصاحبه تصویری در این ولایت ادامه پیدا کرد. در تخار، شدت اجرای این محدودیت کاهش یافته است و تلویزیون ملی در فضای مجازی دوباره فعال شده است و گزارش تصویری نشر می‌کند اما اداره امر به معروف و نهی از منکر اجازه نمی‌دهد بازگشایی شود. در ننگرهار که اعمال این محدودیت باعث بسته شدن تلویزیون ملی شده بود، از ۲۷ جدی به بعد برداشته شد و این تلویزیون دوباره فعال شده است.

در یک رویداد دیگر، دفتر [رادیو بیگم](#) در کابل که یک رسانه ویژه زنان است و دفتر رادیو جوانان که به طور مشترک از یک ساختمان استفاده می‌کنند، ۱۶ دلو ۱۴۰۳ توسط ریاست استخبارات و در هماهنگی و حضور نماینده وزارت اطلاعات و فرهنگ بسته شد و دو کارمند این رادیوها نیز بازداشت شدند که تا زمان نشر این گزارش در ۲۶ حوت ۱۴۰۳ نه تنها کارمندان بازداشت شده آزاد نشدند، بلکه رادیوها نیز بازگشایی نشد.

افزون بر فهرست بالا که در دسته موارد تهدید قرار دارد، ردیاب آزادی رسانه‌های در مرکز خبرنگاران افغانستان در سال ۱۴۰۳ هجری خورشیدی ۵۰ مورد بازداشت خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای را ثبت کرده است که از آن جمله ۱۰ تن همچنان در زندان بسر می‌برند و از این تعداد، چهار تن به حبس دو تا سه سال محکوم شده‌اند. مشخصات این افراد به دلیل ملاحظات امنیتی در این گزارش درج نشده است.

بررسی و تحلیل یافته‌های گزارش

آزادی بیان از حقوق اساسی و اساسی‌ترین اصول در تضمین حقوق بشر می‌باشد. این حق به افراد اجازه می‌دهد که نظرات خود را بیان کنند و اطلاعات و ایده‌ها را آزادانه تبادل کنند و رسانه‌های آزاد به آزادی بیان در جامعه کمک می‌کند. افغانستان [چارچوب‌های قانونی](#) برای رسانه‌ها را که حق آزادی بیان و رسانه‌های آزاد را مشخص و حمایت می‌کند، تصویب کرده است. همچنان، حق آزادی بیان در ماده ۱۹ [اعلامیه جهانی حقوق بشر](#) و [میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی](#) نیز تضمین شده است. افغانستان به عنوان دولت عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مسئولیت دارد تا حقوق بشری شهروندان خود را ترویج، حفاظت و رعایت کند و اطمینان حاصل کند که تمام افراد جامعه از جمله خبرنگاران می‌توانند از حق آزادی بیان خود استفاده کنند. این مسئولیت دربرگیرنده ایجاد فضای مناسب که در آن رسانه‌ها بتوانند به گونه مصون و مستقل فعالیت کنند و همچنین پاسخگو کردن عاملان حمله به کارمندان رسانه‌ها، می‌باشد.

در حالی که مقام‌های اداره حاکم در سال ۱۴۰۳ حمایت از آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران را بارها تکرار کردند اما یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که حرف و عمل آنان یکی نیست؛ محدودیت‌های کاری بیشتر در ۱۲ ماه گذشته اعمال شد و به درخواست‌ها برای کاهش هزینه‌های سنگین مالیاتی و برق رسیدگی نشده است. افزون بر این، هر چند کلیت قوانین رسانه‌ای به ویژه قانون رسانه‌ها از سوی اداره حاکم پذیرفته شده است و بارها در سه سال گذشته گفته شد که این قوانین با اندکی تغییر به زودی از سوی رهبری طالبان توشیح خواهد شد اما چگونگی این کار مبهم است و در این زمینه با رسانه‌ها و کارشناسان امور مشورت نشده است. انتظار می‌رود با در نظر داشت این شرایط و ادامه ابلاغ دستورالعمل‌هایی محدود کننده رسانه‌های آزاد، تغییرات اندک مورد ادعا در طرح تعدیل این قوانین، بسیار فراتر از آن چه باشد که تا اکنون اعلام شده است. همچنان آمار ثبت شده از نقض گسترده حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران توسط مرکز خبرنگاران افغانستان در سال ۱۴۰۳ هجری خورشیدی به هیچ صورت با ادعاهای مقام‌های حاکم همخوانی ندارد.

پیشنهادها

به مقام‌های اداره حاکم:

- دستورالعمل‌های رسانه‌ای که به موازت قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات به رسانه‌ها ابلاغ شده است و آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران را به شدت محدود کرده است، لغو شوند؛
- محدودیت‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز علیه زنان شاغل در رسانه‌ها که کار حرفه‌ای آن‌ها و همچنان آزادی خبرنگاران در بازتاب نظرها و وضعیت زنان و کودکان را تحت تاثیر قرار داده است، لغو شود؛
- به روند دخالت نهادهای غیرمسئول مسؤل به ویژه اداره استخبارات و وزارت امر به معروف و نهی از منکر در امور رسانه‌ها و خبرنگاران پایان داده شود؛
- به روند تهدید رسانه‌ها و خبرنگاران و بازداشت دست‌اندرکاران امور رسانه‌ای پایان داده شود و خبرنگاران زندانی هرچه زودتر و بدون قید و شرط آزاد شوند؛
- تدابیر لازم و مشخص برای اطمینان از مصونیت و تامین امنیت خبرنگاران و کارکنان رسانه‌ها به اجرا درآید؛
- هرگونه بازنگری در قوانین رسانه‌ای از جمله قانون رسانه‌ها و قانون دسترسی به اطلاعات و در نظر داشتن معیارهای بین‌المللی و با مشورت با رسانه‌های آزاد و کارشناسان امور صورت بگیرد؛
- در ترکیب اعضای کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای، معیارهای حرفه‌ای و قانونی بدون هرگونه تبعیض در نظر گرفته شود؛
- ساختار مستقل کمیسیون مستقل دسترسی به اطلاعات احیاء شود و اطمینان حاصل شود که این کمیسیون توانمندی اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای و قانونی‌اش را دارد؛
- برنامه‌های آگاهی‌دهی اختصاصی برای مقام‌ها و سخنگویان نهادهای اداره حاکم در زمینه اهمیت رسانه‌های آزاد و خبرنگاران و همچنان حق دسترسی به اطلاعات برگزار شود؛
- با در نظر داشتن مشکلات جدی اقتصادی رسانه‌ها، بدهکاری مالیاتی رسانه‌ها بخشیده شود و یا حداقل، پرداخت آن در اقساط طولانی مدت در نظر گرفته شود؛
- هزینه‌های تمدید جوازهای متعدد رسانه‌ها به ویژه فرکونسی و نرخ برق متناسب با درآمد رسانه‌ها تنظیم شود؛
- به مانع‌تراشی و کارشکنی‌ها در راستای ایجاد رسانه‌های جدید و یا تمدید جوازها پایان داده شود و به درخواست‌ها در این زمینه مطابق با قانون رسیدگی شود.

به جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی مرتبط:

- به رسانه‌های آزاد و مستقل که بخاطر افزایش محدودیت‌ها و مشکلات اقتصادی آسیب‌پذیر شده‌اند، کمک‌های مالی و تخنیکی ارایه شود اما طوری که به استقلال آن‌ها آسیب نرسد؛
- از برنامه‌های ارتقاء ظرفیت خبرنگاران و کارکنان رسانه‌ها حمایت شود؛
- از زنان شاغل در رسانه‌ها در افغانستان به ویژه از طریق برنامه‌های ارتقاء ظرفیت حمایت شود؛
- روند دادخواهی برای تامین حقوق و آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران با مقام‌های اداره حاکم تقویت شود؛
- با خبرنگارانی که بخاطر کارشان تهدید شده‌اند، همکاری صورت بگیرد؛
- از رسانه‌های مستقل و آزاد که در بیرون از کشور برای افغانستان کار می‌کنند، حمایت شود.

پایان